



عبدالاحمد (فیض)

مسئولیت پاکستان طبق معیارهای حقوق بین المللی در قبال حملات توپخانه ای ان کشور در ولایت شرقی کنر ها:

پاکستان یعنی همسایه ناخلف افغانستان کشور بیست که ، بعد از پیروزی قیام رهای بخش خلق های نیم قاره هند علیه استعمار بریتانیا و اعلام استقلال هند در سال 1947 با راه اندازی خونین ترین نبرد جدای طلبانه علیه مردم وزعامت هند به عنوان کشور مستقل اعلام موجودیت نمود. ساختار های سیاسی ، میکانیزم های اداری، جاسوسی و نظامی ان کشور چون پدیده ای زاده شده از دامان استعمار ، بوسیله ای مشاورین و جواسیس استخبارات بریتانیا وقت که حضور فعال در صحنه ای سیاسی پاکستان داشت ، ایجاد گردید و از همان نخستین روز های موجودیت اش، مداخله و دخالت به امور داخلی همسایگان، بخش انفکاک نا پذیر سیاست استراتژیک ان کشور را . احتوا، میکرد.

و هکذا ، این کشور بتاسی از اهداف معماران ان ، چون یک ساختار بحران افزین و نظامیگر در منطقه همواره بمثابه ای ابزار ووسيله موثر دخالت همکاران مرتجع منطقوی و همدستان بین المللی ان کشور ، در امور دول مستقل آسیای مرکزی وجنوب آسیا ، نقش منفی اش را به زیان مناسبات بین المللی و با تخطی اشکار از اصول ، حسن همجواری و عدم مداخله و تجاوز بدرستی ایفا، نموده است ، و از همپنروست که اکنون پاکستان به مرکز تجمع خرابکاران و مکان امن به کلیه نیرو های فاندوماننتالیست ، دهشت افکن وتروریستی میدل . گردیده است .

پاکستان با داشتن صفات فوق و نیز بمثابه فاسدترین، فقیرترین و بی ثباتترین منطقه جهان از بدوی پیدایش اش به امور داخلی افغانستان مداخله نموده و این مداخلات در مقاطع مختلف، در قالب سیاستها و اهداف گوناگون و تحت پوشش های مختلف و ابعاد وسیع جریان داشته است. چنانچه بعد از دهه هفتاد سده گذشته این مداخلات نظامیان پاکستان علیه افغانستان و با اغتنام از فرصت سیاسی و تبلیغاتی گسترده که بعد از تحولات سیاسی اوایل دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد قرن گذشته یعنی بعد از به قدرت رسیدن نیروهای چپ و حضور نظامی اتحاد شوروی سابق در افغانستان، در اختیار آن کشور قرار گرفت، وارد مرحله جدید گردید.

نقش این کشور در شعله ور نگهداشتن جنگ و خونریزی در افغانستان در شرایط جنگ سرد، میزبانی پاکستانی ها از خطرناکترین گروه های دهشت افکن در دوران جنگهای داخلی افغانستان به بهانه حمایت از جهاد افغانستان، استمرار و تداوم مداخلات بی شرمانه پاکستان بعد از پیروزی مجاهدین در کابل و سرانجام حمایت انکارناپذیر و سخاوتمندانه نظامیان پاکستان بامویل، تجهیز و تسلیح گروه های مسلح مخالف دولت کنونی افغانستان و اعزام این گروهها ویرانگر و ادمکش که اکثر، اتباع انکشور هستند، بمنظور قتل و کشتار در خاک افغانستان، از فاکتها و حقایق مستند و غیر قابل انکار است، که مداخله و دخالت پاکستان در امور داخلی کشور ما رابه اثبات میرساند و همچنان علی الرغم این همه مداخلات توأم با اعزام گروه های مخرب، اداره ای استخباراتی و نظامیان آن کشور بدان اکتفا، نه ورزیده و کنون این مداخلات اشکارا از مجرای پرتاب راکتهای دور برد و حملات توپخانه ای بالای اهداف ملکی در ولایت شرقی کنرها به تجاوز اشکار مبدل گردیده است، که اینک برفوق نورم های حقوق بین المللی به توصیف اقدامات تجاوز کارانه این کشور پرداخته و به سوالات زیرین در روشنای حقوق و پرسپیک های حقوق بین المللی پاسخ اراییه مینمایم:

1- حمایت مستمر پاکستان از گروه های دهشت افکنو تروریست و اعزام آنها به هدف تضعیف حاکمیت ملی افغانستان، سیوتاز اقتصادی، ویرانگری و قتل و کشتار اهالی بیگناه ملکی درین کشور تجاوز پنداشته میشود ویاخیر؟

2- پرتاب راکتها و حملات توپخانه ای آن کشور به ولایت شرقی کنرها در سطح درگیری های مرزی طبق قوانین بین المللی توصیف گردیده (که چنین درگیری های محدود مرزی در حکم تجاوز نیست) ویا تجاوز علیه حاکمیت، استقلال و امنیت ملی افغانستان؟

3- حدود و ثغور حق افغانستان در دفاع از خودش بر پایه ای نورم های حقوق بین المللی.

: اول - حمایت گسترده همه جانبه و مستمر پاکستان از نیرو های مخالف دولت افغانستان :

فقره 6 ماده سوم قطعنامه شماره (3314) مورخ 14 اکتوبر سال 1974 که به قطعنامه تعریف تجاوز شهرت دارد، چنین حاکیست: ((اعطای مجوز استفاده از خاک یک کشور توسط نیروهای مسلح خرابکار و یا دولت دیگر به هدف انجام اقدامات تجاوز کارانه، علیه دولت ثالث، تجاوز اشکار پنداشته میشود و هکذا، معاونت در جنگ های تجاوز کارانه، بی انکه یکدولت مستقیماً، در جنگ مشارکت داشته باشد تجاوز محسوب میگردد

و نیز پراگراف هفتم آن چنین مشعر است:

اعزام، تسلیح و تجهیز گروه های منظم مسلح توسط یکدولت بمنظور انجام عملیات مسلحانه علیه دولت دیگر، تجاوز تعریف گردیده ((است))

بتاسی از احکام فوق، هیچ ابهامی نمی تواند وجود داشته باشد که کشور پاکستان از سالیان متمادی بدینسویکی از عناصر فعال ویرانگر در بی ثباتی، جنگ و نقض حاکمیت افغانستان دست داشته و بر بنیاد مفاد مندرج در فقره 6 ماده 3 قطعنامه فوق که یکی از اسناد معتبر بین المللی محسوب میگردد، متجاوز پنداشته شده و مسوولیت بین المللی آن کشور چون ناقض حقوق بین المللی وارد صحنه گردیده است.

دوم - پرتاب راکتها و حملات توپخانه ای بر ولایت شرقی کنر:

بند 4 ماده دوم منشور سازمان ملل متحدچنین حاکیست: ((کلیه اعضا ر روابط بین المللی خود، تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور دیگر و هر روش دیگری که بامقاصد سازمان ملل متحد مبنایت داشته، خود داری خواهند نمود.))

محتویات مندرج در ماده فوق ماهیت جهانشمول داشته که نه تنها استعمال قوه در روابط بین المللی را غیر مجاز می پندارد، بلکه تهدید به استعمال قوه قبل از درگیری های مسلحانه و یا قبل از اعلام حالت جنگی (جنگ اعلام نشده) در حکم تجاوز مسلحانه توصیف حقوقی کسب مینماید.

در حقوق بین المللی معاصر طوریکه در مواد 53 و 64 کانوانسیون وین منعقد سال 1969 تدوین گردیده است، ممنوعیت اقدامات مندرج فقره 4 ماده 2 منشور را قاعده حقوقی تخلف ناپذیر در مناسبات بین المللی تعریف و تجویز هر گونه استثنا، را بر بنیاد پیمان های منطقوی ممنوع اعلام نموده است.

در راستای غیر مجاز بودن اقدامات مسلحانه پاکستان در امتداد نوار تحمیلی دیورند و شلیک تسلیحات دور برد در ولایت کنر ها بر وفق مفاد مندرج در منشور و پرا گراف دوم ماده سوم قطعنامه 3314 چنین احکامی دارد:

بمباران و یا استعمال تسلیحات راکتی علیه کشور دیگر و یا کار برد هر نوع سلاح توسط یک دولت علیه سر زمین دیگر، تجاوز پنداشته ((.)) میشود.

لذا، مبتنی بر احکام مندرج در فقره 4 ماده 2 منشور، محتویات مندرج در مواد 52 - 53 - و 64 کانوانسیون وینا و احکام فقره 2 ماده 3 قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد، حملات مستمر نیروهای مسلح و شبکه استخباراتی پاکستان به ولایت کنر ها، تجاوز انکار نا پذیر و تخطی صریح از احکام اسناد حقوقی فوق چون معتبر ترین اسناد و معیار های حقوق بین المللی توصیف و مسوولیت جهانی ان کشور بحیث کشور متجاوز و ناقض مفاد منشور مطرح بحث میگردد.

سوم - حق افغانستان در دفاع از خودش در مقابله با تجاوز بر پایه ای نورم های حقوق بین المللی:

در حقوق بین المللی وسایل و ابزار ها و میکانیزم های معیین وجود دارد که بدولتها حق می دهد در صورت نیاز بدان استناد ورزیده و از استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت خاک و امنیت شهر و ندان خویش در برابر تجاوز خارجی دفاع نماید.

بنابراین افغانستان به عنوان کشور مستقل حق خویش میداند که در مقطع زمان کنونی که اوضاع کشور در نتیجه گسترش روز افزون حملات مسلحانه خارجی و تشدید حملات تروریستی غیر قابل تحمل گردیده است، به دیپلوماسی سازشکارانه و غیر فعال خاتمه داده و به صدور چند اعلامیه مطبوعاتی از طریق وزارت خارجه خویش اکتفا، نی، بلکه با استفاده از ابزار ها و وسایل حقوقی ذیل در دفاع از حاکمیت ملی، استقلال سیاسی و امنیت ملی به اقدامات قاطع و ضروری مبادرت ورزند، که این ابزار ها و امکانات مشروع قرار ذیل است:

1 - دفاع مشروع طبق حکم ماده (51) منشور .

2 - شکایت افغانستان از اقدامات تسلیحاتی پاکستان، در شورای امنیت و ارایه پر ونده انکشور در محکمه بین المللی دادگستری .

3 - ارجاع اختلافات ذات البینی در محکمه بین المللی حل منازعات .

انکشاف اوضاع در کشور که باز تاب وخامت بیش از پیش اوضاع امنیتی در نتیجه تشدید و گسترش حملات مخالفین مسلح دولت افغانستانو موازی با ان توسعه ابعاد تجاوزات مسلحانه رژیم و حاکمان نظامی اسلام اباد در ولایات زون شرقی کشور به این تیوری وجاهت منطقی و حقوقی می بخشد که مقدم بر همه ابزار ها و میکانیزم های حقوقی فوق، حق دفاع مشروع بتاسی از صراحت ماده (51) منشور ملل متحد بخاطر دفاع عاجل، ضروری، مشروع و قاطعانه از استقلال و امنیت ملی در دستور روز قرار گرفته و افغانستان مبتنی بر احکام قانون اساسی کشور و بر بنیاد ماده 51 منشور که دفاع انفرادی و مضاعف را در صورت تجاوز مسلحانه دولت دیگر مجاز میداند به دفاع مشروع و متناسب بر تهاجم تسلیحاتی کشور پاکستان پر داخته و از حق خویش در دفاع از میهن و مردم ازاده ان استفاده نماید.

ضروری پنداشته میشود تا به تو جیها، محاسبات نادرست و باور های وا هی و بز دلانه نقطه ای پایان گذاشت که گویا افغانستان کشور ناتوان از نظر نظامی، جنگزده و نیروهای مسلح ان فاقد تجارب کافی، عدم روحیه رزمی، فاقد تسلیحات و تجهیزات کافی بوده و قادر نخواهد بود که در برابر قدرت اتمی پاکستان از حق مشروع خود در دفاع از حاکمیت ملی و استقلال سیاسی خویش استفاده نماید.

در پاسخ به این طرز تفکر بایست مدعی شد که تجارب تاریخی کشور های که بخاطر دفاع از خویش در موضع دفاع مشروع قرار گرفته اند ، بیانگر موفقیت های عظیم تاریخی و شکست نا پذیری آنها بوده است.

مردم ویتنام در دهه 60 میلادی مورد تجاوز تمام عیار بزرگترین قدرت نظامی جهان ، ایالات متحده قرار گرفت که بدفاع جانپزانه خلق ویتنام مواجه و بعد از ده سال جنگ خونین که با استعمال مدرن ترین و سنگین ترین تسلیحات پیشبرده میشد به ضرب شمشیر ویتنامی های قهرمان شکست خورده و بتاريخ 31 اپریل سال 1975 به ترک شرم اور و مضحک ویتنام مجبور گردید .

و هکذا، حضور نیرو های اتحاد شوروی سابق در دهه هفتاد و هشتاد در افغانستان به دفاع سر سخخانه مردم افغانستان مواجه و همین ملت افغان بودند که مجهزترین ارتش جهان یعنی ارتش سرخ را به زانو در آورد و اتحاد شوروی در فبروری سال 1989 بعد از ده سال حضور در افغانستان ، با قبولی شکست ، خاک این کشور را ترک نمودند.

بنابراین اطمینان راسخ داشته و معتقد هستیم که فقط فداکاری ، جانبازی و مقاومت دلیرانه نیروهای مسلح و مردم افغانستان در دفاع مشروع و اجتناب نا پذیر از میهن عزیز مان افغانستان در مقابله به تجاوزات اشکار پاکستان موجب خواهد گردید که دست متجاوزین از سر زمین تاریخی افغانها کوتاه و صلح و ثبات دایمی در کشور اعاده گردد.